

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۰۲ - ۲۸۵

بسامد های اجتماعی داوری پذیری در حقوق ایران و مقارنه آن با مقررات حقوقی آلمان و انگلیس و فرانسه

محمد امیرنجات^۱سید ابراهیم حسینی^۲محمود قیوم زاده^۳

چکیده

داوری پذیری به معنای قابلیت ارجاع یک دعوی به داوری دارای آثار و بسامد های اجتماعی است . مبانی داوری پذیری که در ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین المللی بیان شده است، شامل نظم عمومی، اخلاق حسنه قواعد امری است و وریشه در امور اجتماعی دارد . مبانی همچون نظم عمومی و اخلاق حسنه با تحولات اجتماعی تغییر می نماید . بنابر این تغییرات اجتماعی بر روی مبانی داوری پذیری تاثیر می گذارد این پژوهش به بررسی بسامد های اجتماعی داوری پذیری در حقوق ایران می پردازد و آن را با حقوق سه کشور اروپایی آلمان و انگلیس و فرانسه مقایسه می نماید . یافته های تحقیق نشان می دهد هم در حقوق ایران و هم در حقوق سه کشور اروپایی نظم عمومی و اخلاق حسنه که ریشه های اجتماعی دارد بر داوری پذیری دعاوی تاثیر می گذارد. در حقوق ایران اگر موضوعاتی در تضاد با مبانی داوری پذیری باشد به علت مخالفت با اخلاق و نظم اجتماعی قابل ارجاع به داوری نیست. در حقوق انگلیس در قانون داوری ۱۹۹۶ بحث مبانی داوری پذیری نشده است. با توجه به رویه قضایی این کشور که حقوق عرفی و برگرفته از اجتماع است نظم عمومی مهمترین مبانی داوری پذیری است. در حقوق انگلیس نظم عمومی مانع ارجاع موضوعات به داوری نمی شود و این موضوع به دلیل پذیرش اجتماعی است . لیکن رای داور نباید مخالف با مبانی داوری پذیری باشد. حقوق فرانسه از لحاظ مبانی شبیه به حقوق ایران است و طبق ماده ۲۰ آئین دادرسی مدنی فرانسه نظم عمومی و اخلاق حسنه و قواعد امری از مبانی اصلی داوری پذیری محسوب می شود که مصادیق آن نیز در اجتماع مشخص می شود. منتها به علت یکی بودن داوری داخلی و بین المللی موضوعات بیشتری در حقوق این کشور نسبت به حقوق ایران قابل داوری پذیری است. در حقوق آلمان نیز نظم عمومی و قواعد اجتماعی از جمله اخلاقی رفتاری و امنیت عمومی از مبانی داوری پذیری محسوب می شود. در حقوق این سه کشور اروپایی علاوه بر مبانی داخلی داوری پذیری باید به نظم عمومی بین المللی و قوانین اتحادیه اروپا نیز در موضوعات توجه نمود.

واژگان کلیدی

بسامد های اجتماعی، نظم عمومی، اخلاق حسنه، قواعد آمره.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: hoghooghdaan2@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: sehoseini@hotmail.com

۳. استاد، گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: maarefteacher@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۱

طرح مسأله

بسامد های اجتماعی داوری پذیری در واقع مبانی و اصولی در داوری پذیری است که به امور اجتماعی و اخلاقی نزدیک است. اموری همچون اخلاق حسنه و رعایت انصاف در داوری از این قبیل موارد است. نیز تحقق عدالت که در موضوع داوری نهفته است از آثار داوری پذیری در بستر بسامد های اجتماعی است. تحولات اجتماعی ممکن است طوری باشد که با حقوق موضوعه فاصله ایجاد کند و یا حتی با عدالت سازگار نباشد. بنابراین ممکن است قواعد داوری و داوری پذیری با تحولات اجتماعی سازگار نبوده و اجرای آن در سطح اجتماع اوضاع را پیچیده نماید. هر گاه اعمال مقررات امره داوری پذیری با عدالت متناقض باشد، اصل انصاف طلبی قضای می تواند موضوعی را قابل داوری پذیری بنماید. در فضای بین المللی نیز انصاف به عنوان راه حلی برای تکمیل مقررات اجتماعی تلقی می گردد.

در حقوق بین الملل به بسامد های آثار اجتماعی داوری پذیری توجه و نگرینسته شده است. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری بین المللی از مفهوم عدالت اجتماعی در رسیدگی های قضایی نام برده است. دیوان دادگستری بین المللی اصول منصفانه را به عنوان بخشی از حقوق بین الملل برای ایجاد یک نتیجه منصفانه مورد توجه قرار داده است (icj reports 1982 para 71) از همین روست چنانچه مرجع داوری بخواهد در پرتو اوضاع و احوال و تغییرات اجتماعی حکم قضیه ای را روشن نماید لازمه است به مبانی داوری پذیری که بیشتر به موضوعات اخلاقی هست توجه نماید از جمله اخلاق حسنه. از همین روست چنین نظر داده شده مرجع داوری باید اوضاع و احوال اجتماعی را حتی در صورت عدم استناد طرفین تا آنجا که می تواند مورد ملاحظه و توجه قرار دهد (icj reports , 1969 b para.93) پس از بررسی اوضاع و احوال اجتماعی مرجع داوری باید بین آنها تمیز قرار داده و میزان اهمیت آنها در مقایسه با یکدیگر معلوم کند. (icj reports 1969 para 93 report 1993 a para 128)

از دیگر کارکرد های اجتماعی داوری پذیری کدخدانمنشی هست که در پاراگراف دوم ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری نیز بدان اشاره شده است. البته عده ای از حقوقدانان بر این باورند درج کدخدانمنشی در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بازگشت به سازش و میانجیگری است (miyoshi ,1993 pp52-65)

در برخی از معاهدات بین المللی نیز به ویژه معاهدات رجوع به داوری بین المللی شرط کدخدانمنشی یا شرط قضاوت بر اساس انصاف درج شده است (ضیایی بیگدلی ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۸۷) از جمله این معاهدات کنوانسیون لاهه ۱۸۹۹ و اساسنامه دیوان سابق دادگستری بین المللی ۱۹۲۰ و پیمان عمومی حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی ۱۹۲۸ است. در این معاهدات

اینطور بیان شده که در صورت عدم وجود قواعد قابل اعمال بر دعوی، دیوان بر اساس کدخدانمنشی قضاوت خواهد نمود. لازم به ذکر است حتی در کدخدانمنشی تخطی از قواعد داور پی‌ری مثل قواعد آمره امکان پذیر نیست (icj reports 1969 para 72)

یکی از مقالات مرتبط با موضوع چالش‌های اخلاقی اجرا رای داور در نظام حقوقی ایران نویسندگان علی رسول زاده فرساد و حمید رضا علومی است که این پژوهش نیز چندان که باید به موضوع اخلاق در داور پی‌ری نپرداخته است. حل اختلافات از طریق داور پی‌ری باید ملتزم با اصول اخلاقی باشد و تعهد به قواعد اخلاقی بخشی از وظیفه جامعه انسانی قلمداد می‌شود. علم حقوق را نمی‌توان جدا از اخلاق قلمداد کرد. در واقع هر دعوی که در محکمه ای طرح می‌گردد واجد اوصاف اجتماعی و اخلاقی است.

در بند اول ماده ۱۲ قانون داور پی‌ری تجاری بین المللی، بی طرفی و استقلال را تعهد عمده داوران بر شمرده اند. در سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه معیار بی طرفی و استقلال داوران همان است که در خصوص قضاوت در نظر گرفته می‌شود.

باید توجه داشت که طرفین داور پی‌ری دارای فرهنگ متفاوت هستند و این تفاوت‌ها موضوع توانایی دیوان داور پی‌ری را در جهت عملکرد عادلانه مستقلانه و بی طرف دارای اهمیت مضاعف می‌گرداند. در زمینه استقلال داور در حقوق فرانسه در آرای که از دادگاه‌های فرانسه صادر شده استقلال داور تحت عناوینی چون جوهر وظیفه قضایی یا لازمه مطلق هر رسیدگی داور پی‌ری مورد اشاره قرار گرفته است.

یکی دیگر از اصول اخلاقی و اجتماعی داور پی‌ری لزوم تعهد داور به افشا است که در بند ۲ ماده ۱۲ قانون داور پی‌ری تجاری بین المللی ایران نیز بیان شده که به موجب آن شخصی که پیشنهاد داور پی‌ری دریافت نموده باید از هر اوضاع و احوالی که موجب تردید در بی طرفی و استقلال اوست افشا نماید (sobhani j 2009) از مبانی داور پی‌ری که بسامدی اجتماعی دارد اخلاق حسنه و نظم عمومی است. در حقوق سه کشور اروپایی آلمان انگلیس و فرانسه تحولات نظم عمومی و اخلاق حسنه، از جامعه به سمت فرد بوده است و با گذشت زمان با قبض مفهومی نظم عمومی و اخلاق حسنه و حتی بنا بر برخی ادعاها (hauser 1999 : 6) با عبور از هر دو مواجهه بوده ایم و مواد ۵۱۵-۱ تا ۵۱۵-۸ با پذیرش قرارداد مدنی ازدواج و واقعه زندگی مشترک نشان از همین تحول دارند. در حوزه اجتماعی نیز از نظم عمومی اجتماعی و اخلاق حسنه اجتماعی به نظم عمومی لیبرال و اخلاق حسنه لیبرال عبور کرده ایم Cf hauser 2016 . (n 117) نظر به اینکه اخلاق حسنه نیز از منابع حقوق است می‌تواند بخشی از نقض قانون در بیان اصول و قواعد حقوقی را جبران نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۰، جلد ۱ : ۱۸۲) .

۱- قانون داوری داخلی و بین‌المللی در بستر اجتماع

در حقوق ایران داوری بین‌المللی تابع قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ است. قانون داوری تجاری بین‌المللی در خصوص داوری‌هایی است که عنصر بین‌المللی داشته باشد. در واقع قانون داوری تجاری بین‌المللی مقررات نو بدیعی که در سطح بین‌المللی در خصوص داوری بیان گردیده را تا حدود زیادی در خود گنجانده است. این در حالی است که داوری داخلی تابع مقررات قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ می‌باشد.

از لحاظ مبانی شناسی داوری پذیر، در قانون آئین دادرسی مدنی در این خصوص صحبتی به میان آورده نشده است چرا که مبانی آثاری اجتماعی دارد و آثار آن را عرف تعیین می‌نماید. حتی مبانی به اشتباه نیز در قانون آئین دادرسی مدنی ایران تبیین شده است. فی‌المثل در ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی صحبت از بطلان قرارداد داوری شده است و مبانی همچون نظم عمومی و اخلاق حسنه و تعارض با اسناد رسمی از موارد بطلان قرارداد داوری تعیین گردیده است. این در حالی است که قانون آئین دادرسی مدنی در ماده ۴۸۹ صحبتی از بطلان نکرده و آرا را قابل ابطال می‌داند. آنهم در راستای اعتراض به رای داوری در موعد ۲۰ روزه.

بسیاری از مبانی که در حقوق ایران تحت عنوان بطلان تلقی شده است در قانون آئین دادرسی مدنی تحت عنوان ابطال رای داوری مطرح شده است و این در حالی است که بین بطلان و ابطال تفاوت زیادی وجود دارد که از لحاظ مبنا با یکدیگر متفاوتند و همگی ریشه اجتماعی دارد. بطلان رای داور را از همان ابتدا فاقد اثر می‌کند لیکن ابطال رای داور را پس از شروع داوری باطل می‌کند.

در حقوق انگلستان که برگرفته از آرا قضایی و قوانین عرفی و اجتماعی است در داوری داخلی و بین‌المللی یک رژیم حاکم می‌باشد. (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۱۳) در واقع قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶ می‌باشد که هم در داوری‌های داخلی و هم در داوری‌های بین‌المللی قابل اجرا است. در قانون داوری انگلستان صحبتی از مبانی داوری پذیر نشده است لیکن در سطح اجتماعی و رویه اجتماعی و رویه قضایی در انگلستان به کمک تشریح مبانی داوری پذیر آمده است. آنچه در ماده ۷ و ۳۰ قانون داوری انگلستان آمده است مطابق قانون صلاحیت داوری یک صلاحیت ذاتی است که به موجب قانون به وجود آمده و از صلاحیت محاکم عمومی جداست. در واقع در حقوق انگلستان فرقی بین داوری داخلی و بین‌المللی و قواعد حاکم بر آن وجود ندارد. در نتیجه مقررات داوری پذیر در حقوق انگلستان در حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی یکی است

در حقوق آلمان داوری پذیر دعوی تحت قانون داوری آلمان موسوم به zpo می‌باشد

که هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌المللی دارای کاربرد می‌باشد. البته قانون داوری آلمان نیز مشابه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران از قانون نمونه آنسیترال الهام گرفته که مشخص می‌شود مبانی داوری پذیری قانون داوری تجاری ایران با قانون داوری آلمان بسیار شباهت دارد. (hugar 1989) در حقوق فرانسه هم به سمت یکی شدن داوری داخلی و بین‌المللی رفته که در ادامه توضیح خواهیم داد. در واقع در حقوق فرانسه داوری طبق قانون آئین دادرسی مدنی این کشور می‌باشد که هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل کاربرد دارد. (لنگرودی ۱۳۹۴ ص ۵۱۹)

یکی شدن داوری داخلی و بین‌المللی مزایای بسیاری دارد، از جمله اینکه با توجه به رعایت مقررات در حوزه بین‌المللی از جمله نظم عمومی بین‌المللی و با توجه اصل داوری پذیری دعاوی تجاری بین‌المللی مبانی داوری پذیری طوری تبیین می‌شود که دعاوی بسیاری تحت شمول داوری قرار گیرد. برای مثال در حالی که داوری پذیری دعاوی همچون رقابت و دولتی در حقوق ایران با محدودیت‌هایی روبروست این محدودیت‌ها در حقوق سه کشور اروپایی دیده نمی‌شود. البته حقوق فرانسه نظر به اینکه حقوق نوشته است و در ماده ۲۰۶۰ خود در این زمینه صحبت کرده است دارای محدودیت می‌باشد. از دیگر مزایای یکی شدن داوری داخلی و بین‌المللی رسیدن به اتحاد از لحاظ مبانی است. در حقوق هر سه کشور اروپایی اگر رای داور خلاف نظم عمومی باشد باطل تلقی می‌گردد. البته رویه قضایی در این سه کشور به سمت خروج موضوعی مصادیق نظم عمومی از موضوعات قابل داوری پذیری حرکت کرده است. لیکن در حقوق داخلی ایران کلیه مصادیق نظم عمومی تحت عنوان قوانین موجد حق تلقی می‌گردد و رای را قابل ابطال می‌کند که موضوع صحیح نیست.

۱-۱- تاثیر اجتماعی برتری داوری بین‌المللی و مقررات آن بر حقوق داخلی

طبق قانون مدنی احکام و مقررات خارجی در حقوق ایران در صورتی می‌تواند در ایران قابل شناسایی باشد که با نظم عمومی داخلی در تضاد نباشد. این حکم به خاطر تبعیت مبانی داوری پذیری از آثار اجتماعی است. به طوری که آثار اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار است که اجرا آرا خارجی نباید مخل نظم آن باشد. از طرفی قانون داوری داخلی که طبق قانون آئین دادرسی مدنی است شامل داوری بین‌المللی نمی‌باشد و داوری بین‌المللی در حقوق داخلی ایران طبق قانون آئین دادرسی مدنی قابل شناسایی نیست.

این موضوع در حقوق فرانسه قدری متفاوت است. در حقوق فرانسه دیوان تمیز فرانسه در سال ۱۹۷۱ اعلام کرد که مقررات مواد ۲۰۵۹ و ۲۰۶۰ قانون مدنی فرانسه در داوری‌های بین‌المللی قابل اعمال نیست. در نتیجه فرانسه در مفهوم نظم عمومی و داوری پذیری دعاوی در

فضای داخلی و بین‌المللی رویه یکسانی ندارد و بسیاری از مسائل از جمله داوری پذیری اموال دولتی که در حقوق داخلی غیر قابل داوری پذیری است در محیط بین‌المللی قابل داوری پذیری تلقی می‌گردد. ریشه این موضوع نیز بدین خاطر است که اجتماع فرانسه بین‌المللی شده و متاثر از تأثیرات جهانی است. این مهم نشان از برتری داوری بین‌المللی بر داوری داخلی در حقوق فرانسه دارد چرا که فرانسه نیز جزو اتحادیه اروپاست و از قوانین و آرا دیوان دادگستری اروپا و جامعه اروپا نیز تبعیت می‌نماید. در نتیجه از این جهت با حقوق ایران متفاوت است. (Lehmann, op.cit, p.61. 38.)

به نظر می‌رسد قانون‌گذار ضمانت اجرایی برای مواد ۲۰۵۹ و ۲۰۶۰ قانون مدنی فرانسه در مورد دعاوی غیر قابل ارجاع به داوری تعیین نکرده که این موضوع با حقوق ایران متفاوت است. با این حال طبق بند پنجم از ماده اخیر یکی از موجبات ابطال رای داوری بین‌المللی در فرانسه هنگامی است که شناسایی یا اجرای با نظم عمومی بین‌المللی در تعارض باشد. این موضوع نشان می‌دهد در مواقعی نظم عمومی بین‌المللی بر نظم عمومی داخلی در زمینه داوری در حقوق فرانسه برتری دارد. چرا که در کشور فرانسه به علت اینکه جامعه به سمت جهانی شدن حرکت کرده آنچه در محیط بین‌المللی به عنوان قوانین بین‌المللی در نظر گرفته شده به عنوان نظم داخلی نیز برای مردم این کشور شناسایی شده و قابل اعمال است بنابر این نتیجه می‌شود که درجه اهمیت و اعمال نظم عمومی داخلی در حقوق فرانسه خیلی بالا نیست و بیشتر به نظم عمومی بین‌المللی اهمیت می‌دهند و این به خاطر پذیرش اجتماعی بودن نظم عمومی بین‌المللی است

در حقوق آلمان نیز نظر به اینکه قانون داوری داخلی و بین‌المللی یکسان است مقررات و مبانی داوری بین‌المللی بر حقوق داخلی ارجحیت دارد. در واقع در جامعه آلمان نیز همچون فرانسه به دلیل تبعیت از اتحادیه اروپا نظم عمومی بین‌المللی به عنوان مقبولیت اجتماعی پذیرفته شده است. (Norton rose op Cit 11)

البته حقوق انگلستان از این جهت وضعیت شبیه ایران دارد. در برخی از حوزه‌های قضایی انگلستان قضات استدلال نمودند که اگر قرارداد بین‌المللی باشد باید بررسی شود که باید تحت نظم عمومی بین‌المللی است یا خیر. این موضوع بدین خاطر است که از لحاظ جامعه شناختی مردم کشور انگلستان فرهنگ اجتماعی خود را برتر از نظم و قواعد آمره بین‌المللی می‌دانند و مثل دو کشور دیگر پذیرش صرف از نظم عمومی ندارند. بنابر این در حقوق انگلستان بر خلاف حقوق فرانسه قضات الزامی به تبعیت از نظم عمومی بین‌المللی ندارند. (Lourens op.cit,)

۲-۱- برتری نظم عمومی داخلی بر بین المللی

یکی از نتایج اصل برتری داوری بین المللی بر داخلی پذیرفتن اصل برتری نظم عمومی بین المللی بر نظم عمومی داخلی است. البته همانطور که در بالا گفته شد در حقوق ایران و انگلستان به علت عدم قبول اجتماع در زمینه پذیرفتن قواعد آمره بین المللی وضع قدری متفاوت است. بنابراین برتری نظم عمومی بین المللی بر نظم عمومی داخلی در حقوق فرانسه و آلمان بازتاب پذیرش اجتماع است. چرا که داوری این دو کشور اروپایی بر مبنای داوری بین المللی است و قانون داوری داخلی و بین المللی در حقوق این سه کشور یکی است. همین موضوع باعث ایجاد تفاوت هایی در زمینه نظم عمومی نیز می گردد.

۲- تفاوت در مبانی نظم عمومی در داوری پذیری

در حقوق ایران اصل بر داوری پذیری دعاوی می باشد. لیکن رویه قضایی ایران این اصل را قبول ندارد و در موضوعات مختلف به لحاظ عدم رعایت قوانین موجد حق، رعایت قواعد آمره و ارتباط با نظم عمومی موضوع را غیر قابل داوری پذیری تلقی می نماید. علت اینکه در حقوق ایران دامنه عدم داوری پذیری دعاوی بالاست این است که جامعه ایرانی جامعه اسلامی است و بالتبع جامعه اسلامی یعنی حاکم بودن قواعد دینی در اجتماع و این قواعد دینی به علت درگیری مسائل اخلاقی گستره نظم عمومی را بیشتر می نماید. برای مثال دعاوی مالکیت فکری یا دعاوی کارگر و کارفرما و بسیاری از دعاوی از لحاظ تئوریک قابل داوری پذیری اند ولی در رویه قضایی این موضوعات غیر قابل داوری پذیری تلقس میگردند

در حقوق فرانسه دادگاه های فرانسه با استفاده از رویه قضایی شروع به زیر سوال بردن مفاهیم کلیدی و کشف ابهامات در تعریف به مقررات مربوط به نظم عمومی کردند چه زمانی حقوق فرد و داوری طریق قرارداد حقوقی قابل دسترس میشود؟ چه زمانی نظم عمومی ممنوعیت برای داوری ایجاد می کند که شامل نقض اساسی یک حق قانونی شود؟ بنابراین کاملاً واضح است که اگر در حال حاضر حقوق فرانسه در زمینه داوری دعاوی پیشرو است به خاطر زیر سوال بردن مفاهیم کلیدی نظم عمومی توسط قضات فرانسوی بود که این موضوع توسط حقوق ایران نیز می تواند اجرایی و عملی گردد. البته قضات فرانسوی زمانی توانستند نظم عمومی را زیر سوال ببرند که مشاهده نمودند جامعه و تفکرات آن بازتر شده و پذیرای این موضوعست. هدف این توسعه ایجاد یک دکترین قضایی بود تا حقوقدان ضعف قانون داوری فرانسه را جبران کنند. (tissot 1950 p 7)

در حقوق انگلستان نیز وضع به همین منوال است و با توجه به اینکه ریشه حقوق انگلستان در حقوق عرفی و اجتماعی است و آرا محاکم قضایی نقش مهمی در حقوق این کشور دارند

محاکم قضایی در دعاوی مختلف از جمله دعاوی حقوق رقابت و کارگر و کارفرما و اموال دولتی حکم به داوری پذیری این دعاوی داده اند. در حقوق این کشور نیز مبنای داوری پذیری بر اساس خواست اجتماع و باید ها و نبایدهای آن تعیین می گردد.

در حقوق آلمان نیز با توجه به الهام از قانون آنسیترال و اصل داوری پذیری دعاوی در حقوق این کشور، و مشخص شدن استثنائات و تبعیت از حقوق اتحادیه اروپا و یکی بودن داوری داخلی و بین المللی، مصادیق نظم عموم بسیار محدود می باشد حتی در زمینه داوری مربوط به اختراعات که در قانون این کشور منع شده آرا قضایی حکم به قابلیت داوری این دسته از دعاوی صادر نموده اند (Lionne, Annette, ۲۰۰۷).

۲-۱- منبع شمردن نظم عمومی بین المللی در داوری پذیری و تاثیر اجتماعی آن

در حقوق ایران نظم عمومی بین المللی را نمی توان از منابع قطعی نظم عمومی تلقی نمود. چرا که نظم عمومی بین المللی بیشتر تابع سیاست های حاکمیتی است. همچنین ساختار جامعه شناختی ایران نیز به علت اسلامی بودن و پذیرفتن قواعد دینی نمی تواند موضوعات بین المللی را براهتی قبول کند و نظم عمومی بین المللی را بپذیرد. برای مثال عدم اشاعه سلاح هسته ای را ممکن است بتوان نظم عمومی بین المللی تلقی کرد لیکن در حال حاضر قدرت های بزرگ جهان و بسیاری از قدرت های منطقه ای به دلیل سیاسی و حاکمیتی این نظم عمومی را رعایت نمی کنند و بنابراین نظریه ذهنی در تعریف نظم عمومی نیز در حقوق ایران چندان کارایی ندارد.

در حقوق دو کشور اروپایی آلمان، فرانسه به قاطعیت می توان گفت نظم عمومی بین المللی از منابع نظم عمومی به شمار می رود. به خاطر که حقوق این سه کشور علاوه بر قوانین داخلی تابع قوانین اتحادیه اروپا نیز هست و مکلف هستند نظم عمومی بین المللی را رعایت نمایند. علاوه بر این قوانین داوری داخلی و بین المللی این سه کشور یکسان است.

۲-۲- تفاوت حقوق ایران و انگلیس در زمینه داوری پذیری نظم عمومی

یکی از تفاوت های مهم حقوق ایران و انگلیس در زمینه داوری پذیری دعاوی در حوزه قلمرو نظم عمومی می باشد. حقوقدانان انگلیس معتقدند که امروزه در حقوق انگلستان داوری را در قلمرو نظم عمومی اجازه می دهد و هیچ گونه محدودیتی در خصوص موضوع اختلافی که به داوری ارجاع می گردد وجود ندارد و رویه قضایی انگلستان نیز به طور کلی بر این منوال است که هر ادعای خصوصی می تواند به داوری ارجاع شود (Lehmann, op.cit, p.74). این موضوع بدین خاطر است که در حال حاضر جامعه فرانسه پذیرفته است که موضوعات دارای نظم عمومی و اخلاق حسنه را می توان توسط نهاد های خصوصی قضاوت نمود. در واقع

کدخدامنشی در حقوق انگلستان همانند حقوق ایران دارای ریشه است و در حال حاضر نیز اجرایی می‌گردد. بنابر این در بین سایر کشور های اروپایی در حقوق انگلستان به دلیل عدم ذکر موضوعات غیر قابل داوری پذیری دعاوی بیشتری قابل داوری است و مشکل نظم عمومی نیز در سایه رویه قضایی در این کشور مرتفع شده است

در حقوق ایران نظم عمومی یکی از موانع داوری پذیری دعاوی است که به کرات در مورد آن صحبت شد و از این جهت با حقوق انگلستان متفاوت می‌باشد و ریشه آن نیز حاکمیت دینی و باید و نباید های دینی زیاد در اجتماع ایران است

۲-۳- مصادیق نظم عمومی در داوری پذیری

در حقوق ایران و سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه از نظم عمومی تعریفی به میان نیامده است. بلکه مصادیق آن بر عهده رویه قضایی گذارده شده است. رویه قضایی سه کشور در تعیین مصادیق نظم عمومی با هم متفاوتند. یکی از مصادیق نظم عمومی برای مثال خیار غبن می‌باشد. خیار غبن در حقوق آلمان و انگلیس موجب بطلان معامله و مخالفت نظم عمومی است. برعکس در حقوق فرانسه و ایران خیار غبن موجب فسخ معامله است. تمام این موضوعات بدین خاطر است که بافت اجتماعی ایران با بافت اجتماعی اروپا متفاوت است. به طوری که جامعه ایران به علت اینکه دارای فرهنگ اسلامی است و حلال و حرام موضوعاتی از این قبیل در آن وجود دارد نمیتواند آنچه را که در اسیر ادیان و جوامع تعریف شده را به صورت کامل بپذیرد. برای مثال شرب خمر یا زنا محصنه ممکن است در جامعه ایرانی و اروپایی دارای نگرش های متفاوتی باشد که این نگرش ها باعث تغییر قانون گذاری و مصادیق نظم عمومی نیز می‌گردد.

از دیگر مصادیق نظم عمومی جنون همسر می‌باشد. به طوری که در حقوق آلمان جنون همسر یکی از موجبات مشروع طلاق است اما در حقوق فرانسه با جنون همسر اطلاق میسر نیست و بر خلاف نظم عمومی است.

در فرانسه طلاق به تراضی زوجین یا همان طلاق توافقی امکان قانونی ندارد. بدین دلیل که جامعه فرانسه طلاق را امری قبیح می‌داند که این موضوع به عنوان نظم عمومی در این کشور تلقی شده و ریشه در اجتماع نیز دارد در ایران و سایر ممالک اسلامی قانونی است. بر این اساس که جامعه ایران طبق نظر قرآن طلاق را امری شرعی تلقی می‌نماید. بنابراین مشاهده می‌شود مصادیق نظم عمومی در هر کشور با کشور دیگر متفاوت می‌باشد.

۲-۴- دامنه نظم عمومی در داوری پذیری

در حقوق سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه رویه قضایی اینطور پیش بینی شده که هر خطری قابل آسیب به نظم عمومی نیست بلکه خطر باید واقعی و بالقوه باشد. در واقع در حقوق این سه کشور اروپایی در صورتی موضوع در تلاقی با نظم عمومی تلقی می شود که خطر واقعی باعث جریحه دار شدن احساسات عمومی گردد. این استدلال نظری بسیار صحیح است و باعث تقویت داوری پذیری در حقوق سه کشور اروپایی شده است. چرا که هر خطری به نظم عمومی ضربه وارد نمی کند و این خطر باید حاوی خطر واقعی و جدی باشد.

همین موضوع سرلوحه رویه قضایی و قضات این کشور قرار گرفته و اکثر دعاوی با همین دیدگاه قابل داوری پذیری تلقی می گردد.

در حقوق ایران وضع قدی متفاوت است. با آنکه اصل بر داوری پذیری همه دعاوی است در عمل دیده می شود رویه قضایی حتی دعاوی مرتبط با بطلان و ابطال قرارداد یا فسخ قرارداد را غیر داوری پذیری می داند. بنابراین قضات ایرانی هر موضوعی که بر خلاف نظم عمومی باشد را غیر قابل داوری پذیری تلقی می کنند.

۲-۵- دخالت عنصر خارجی در نظم عمومی

در حقوق ایران و در تشخیص نظم عمومی فقط به قوانین داخلی توجه می شود و به نظم عمومی بین المللی توجهی نمی شود در واقع حقوق ایران فقط به نظم عمومی در کشور خود توجه می کند و تابع آن است. این بدان دلیل است که به دلیل امور سیاسی و دینی هنوز جامعه ایرانی خواسته یا ناخواسته نظم عمومی بین المللی را قبول ندارد و یا اجرا نمی شود. چه بسا تحریم ها نیز در عدم پذیرش نظم عمومی بین المللی در حقوق داخلی موثر می باشد. در سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه به چند نظم عمومی باید توجه شود:

۱- نظم عمومی داخلی کشورها

۲- نظم عمومی اتحادیه اروپا

۳- نظم عمومی بین المللی

به همین خاطر در حال حاضر در حقوق سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) در حال حاضر داوری پذیری چندان تقابلی با نظم عمومی ندارد و فقط باید موضوعات قابل توجه داوری پذیری مخالف اساسی ترین ارزش های خود نباشند.

نتیجه ای که میتوان گرفت این است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا نمی توانند صرفاً به حقوق کشور خود به عنوان نظم عمومی نگاه کنند و باید به کشور مبدا از جهات مختلف نگاه کنند تا بتوانند موضوع را به علت نظم عمومی مانع داوری پذیری تلقی نمایند.

پس با توجه به تفاسیر بالا به نظر می رسد که حقوق اروپا در موضوع اعمال نظم عمومی در داوری پذیری با سردرگمی مواجه است. از طرفی دیوان دادگستری اروپا آرای صادر می کند که کشور های عضو در نظم عمومی رویه یکسان داشته باشند. از طرفی دیگر دست قضات در هر یک از کشور های اروپایی منجمله کشور های مورد بحث ما باز است که از قبول و ارجاع داوری در موضوعات خلاف نظم عمومی سر بازند.

۲-۶- گستردگی مصادیق اخلاق حسنه

مقدمتا باید گفت یکی از مهمترین مبانی داوری پذیری که ریشه در اجتماع دارد دعاوی اخلاق حسنه می باشد که زیر مجموعه نظم عمومی میباشد. در واقع همچون نظم عمومی، اخلاق حسنه نیز دارای مصادیقی می باشد. در حقوق ایران و سه کشور اروپایی از اخلاق حسنه تعریفی به میان نیامده است و تعیین مصادیق آن بر عهده عرف اجتماعی و مقبولیت جامعه گذاشته شده است. اخلاق حسنه عموماً ریشه های مذهبی دارد بر اساس مقبولیت اجتماعی و تعیین احاد جامعه است و نسبت به موضوعات مختلف متفاوت است و ممکن است از کشوری به کشور دیگر و از شهری به شهر دیگر نیز تفاوت داشته باشد. در کشورهایی مثل ایران که دارای ریشه های مذهبی هستند و دین بر اجتماع حاکم است مصادیق آنها گسترده تر است (واستانی، ص ۴۲).

حقوق ایران یکی از این کشور ها می باشد که مصادیق اخلاق حسنه گسترده است و ریشه در مذهب و دین دارد. لیکن در حقوق سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه نظر به لاییک بودن آنها مصادیق اخلاق حسنه کمتر از حقوق داخلی است. به طور مثال در حقوق جزای انگلستان اخلاق به رسمیت شناخته شده و تاثیر اخلاق در آن مشهود است. شمار قابل توجهی از افعال نه تنها به دلیل مغایرت با اخلاق جرم شناخته شده اند و اگر کسی ادعا کند که بزه و جرم قلمداد شدن کنش های مربوطند نه به خاطر مغایرت آن با آرمان های اخلاقی بلکه به خاطر گذر نیست که به نظم عمومی وارد می کند. در این زمینه می توان گفت بسیاری از قواعد در حقوق انگلستان که در حقوق جزا است به علت مخالفت با اخلاق حسنه جرم شناخته شده است. بنابر این در حقوق انگلستان موضوعات بر خلاف اخلاق حسنه قابل داوری پذیری است. در حقوق فرانسه و آلمان نیز وضع به همین منوال است (delboland 2009 240_245). بیشتر موضوعات اخلاقی در مقررات حقوق جزا مشخص شده است ولی طبیعتاً بسیار کمتر از حقوق ایران است.

۲-۷- قوانین موجد حق در داوری پذیری

در حقوق ایران در ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی پیش بینی شده است که در صورتی که رای داور خلاف قوانین موجد حق باشد چنین رایی باطل تلقی می گردد. در واقع قانون گذار ایران بدون تعریف قوانین موجد حق صدور آرا خلاف چنین نهاد حقوقی را قابل ابطال می داند. (شمس ۱۳۹۵ ص ۵۵۲)

بنابر این بر خلاف حقوق ایران در حقوق فرانسه خلاف قوانین موجد حق نداریم و مشکلی ندارد که رای داور خلاف آن باشد چون که اصطلاحی تحت عنوان خلاف قوانین موجد حق در حقوق فرانسه وجود ندارد. در حقوق کشور انگلستان بحث شده رای داور باید مطابق قوانین اخلاقی و رفتاری باشد بنابر این در حقوق انگلستان نیز اصطلاح خلاف قوانین موجد حق نداریم. لیکن اصطلاح خلاف قوانین اخلاقی و رفتاری معادلی است که حقوق انگلستان در زمینه موجد حق در نظر گرفته است که اصطلاح خلاف قوانین اخلاقی و رفتاری دامنه وسیعی دارد و به کلیه قوانین که ماهیت اخلاقی دارند اطلاق می شود. (fiudjo 2004 p73) در حقوق آلمان نیز بحثی از قوانین موجد حق در خصوص ابطال رای داور و اصطلاحات مشابه به میان نیامده است.

۳- تفاوت حقوق ایران و آلمان از لحاظ ملاک های داوری پذیری

ملاک داوری پذیر بودن دعاوی در حقوق آلمان بر خلاف حقوق ایران منفعت اقتصادی است و تمامی موضوعاتی که دارای منافع اقتصادی هستند قابل داوری پذیری می باشد. خواه موضوع مربوط به دولت باشد خواه افراد. بنابراین داوری پذیری دعاوی دولتی یا دعاوی مربوط بیمه و بورس کلیه موضوعات دارای منفعت اقتصادی قابل داوری پذیرند. نکته مهم این است که حتی موضوعاتی که منفعت اقتصادی ندارند مثل دعاوی خانوادگی و صدور احکامی مانند طلاق نیز در حقوق آلمان قابل داوری پذیری هستند به شرطی که قابل مصالحه توسط طرفین دعوی باشند. بنابر این آنچه در حقوق آلمان در قابلیت ارجاع دعاوی غیر مالی به داوری اهمیت دارد قابلیت مصالحه و توافق درباره موضوع هست. پس دعاوی همچون طلاق توافقی چون قابل مصالحه است قابل ارجاع به داوری است یا دعاوی مربوط به حضانت. در اینجا بر خلاف قانون ایران که صرفاً به نظم عمومی اشاره دارد ملاک قابلیت مصالحه برای ارجاع دعوی به داوری است نه نظم عمومی. بنابراین در حقوق ایران ملاک اقتصادی برای داوری پذیر بودن دعاوی صرفاً مطرح نیست. چرا که موضوعات غیر اقتصادی نیز قابل داوری پذیری نیستند (Norton 2007 p 15)

بنابراین همانطور که گفته شد ملاک در قابلیت ارجاع توافق نامه داوری قابلیت مصالحه و سازش بر سر موضوعات است که البته این موضوعات ریشه در نظم عمومی هم دارد ولی ممکن

است بعضی موضوعات را بتوان مصالحه کرد و ریشه در نظم عمومی هم داشته باشد. بنابراین در حقوق ایران مثلا در خصوص اختلافات قراردادی شکی نیست که می‌توان هر گونه مصالحه ای به عمل آورد. لیکن دعوی بطلان یا فسخ قرارداد غیر قابل داور پی‌ری است. بهتر است رویه قضایی در حقوق ایران از ملاک قابلیت مصالحه در حقوق آلمان بهره گیرد و دعاوی که غیر قابل مصالحه باشند را نتوان به داور پی‌ری ارجاع داد. چرا که اگر افراد بتوانند در موضوعی مصالحه کنند می‌توانند دعاوی مربوط به آن را نیز به هر کس که بخواهند ارجاع دهند. بنابراین این آثار این گونه دعاوی را نیز می‌توانند به داور پی‌ری ارجاع دهند.

۴- تفاوت حقوق ایران و انگلستان در مبنای داور پی‌ری

در حقوق انگلستان بر خلاف حقوق ایران داور پی‌ری بیشتر حول محور شخصی است که تعیین می‌کند چه موضوعاتی قابل ارجاع به داور پی‌ری هستند چرا که حقوق انگلستان حقوق عرفی است و اجتماع انگلیس این موضوع را پذیرفته است. به عبارت دیگر طرفین در توافقنامه داور پی‌ری توافق می‌نمایند نوعی خاصی از اختلافات از طریق داور پی‌ری حل و فصل گردد. بنابراین دادگاه‌ها هنگام تجزیه و تحلیل موضوعات قابل داور پی‌ری موضوع اول قبل از اینکه به این بپردازند که آیا موضوع به خودی خود قابلیت حل و فصل توسط داور پی‌ری را دارد یا خیر اعتبار قرارداد داور پی‌ری را بررسی می‌کنند. پس تفاوت حقوق انگلیس نسبت به حقوق ایران در این است که چون اصولا داور پی‌ری بر اساس توافقنامه داور پی‌ری تعیین می‌شود در هر صورت حتی بدون اختلاف دادگاه در مورد اعتبار توافق نامه داور پی‌ری اظهار نظر کند. در حالی که در حقوق ایران اگر در مورد توافق نامه داور پی‌ری اختلاف شود دادگاه به آن رسیدگی می‌کند.

۴-۱- تفاوت حقوق ایران و انگلستان در تاثیر آرا قضایی در داور پی‌ری دعاوی

در حقوق انگلستان طبق ماده ۸۱ قانون داور پی‌ری ۱۹۹۶ آراء قضایی از منابع اصلی در خصوص مبنای داور پی‌ری محسوب می‌گردد. (mastil 2001 p371) این موضوع به خاطر پذیرش اجتماع است. ماده ۸۱ قانون داور پی‌ری به مواردی اشاره می‌کند که توسط قوانین عادی انگلستان وضع شده و بخشی از قانون داور پی‌ری ۱۹۹۶ نیست. از آنجایی که قانون داور پی‌ری ۱۹۹۶ انگلستان تلفیقی از رویه‌های قضایی قبلی حقوق انگلستان در خصوص داور پی‌ری است سه فرض موجود در ماده ۸۱ قسمت ۱ به قواعدی اشاره می‌کند که در حقوق کامن لو در این خصوص جاری و لازم الاجرا است بنابر این یکی از منابع مهم داور پی‌ری در حقوق انگلستان آرا قضایی است چرا که حقوق انگلستان مبتنی بر آرا قضایی است. جنس حقوق ایران و حقوق انگلستان باهم تفاوت دارد. حقوق ایران مبتنی بر حقوق نوشته است در حالی که حقوق انگلستان مبتنی بر آرا قضایی است. (remerkin 2004 p619).

ماده ۸۱ این نظریه را تقویت می‌کند که داورى پذیرى در حقوق انگلستان ذیل حقوق عرفى انگلستان تعريف مى‌شود و نیازی به تدوین قوانین در خصوص موضوعات غیر قابل داورى وجود ندارد. حقوق ایران مى‌تواند از این روی قانونى در حقوق انگلستان تبعیت کند و از طریق آرای قضایى موضوعات غیر قابل داورى پذیرى بررسی شود تا نیاز به تدوین قوانین در این خصوص نباشد. (Mitsubishi motors 1985 p 614).

۵- تفاوت حقوق ایران و سه کشور اروپایى در خصوص داورى پذیرى دعاوى دولتى

در حقوق ایران داورى دعاوى مربوط به اموال دولتى طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسى با محدودیت‌هاى اخذ مجوز از دولت و مجلس روبروست. این محدودیت در حقوق سه کشور اروپایى دیده نمى‌شود چرا که در جوامع اروپایى حاکمیت اجتماع بیشتر در دست شرکت‌هاى خصوصى است و مشاغل و امور دولتى از دید اجتماعى چندان اهمیتی ندارد. در حقوق فرانسه که رویه قضایى محدودیت داورى شرکت‌هاى دولتى را برداشته است و حکم به داورى پذیرى آن گونه دعاوى مى‌دهد. در حقوق آلمان دعاوى مربوط به حقوق عمومى و شرکت‌ها دولتى کاملاً داورى پذیر است. در حقوق انگلستان و ولز هیچگونه مانع قانونى برای ارجاع دعاوى پادشاهى به عنوان روش حل اختلاف به داورى ایجاد نکردند و علاوه بر این در انگلستان خیلی شرکت‌هاى دولتى وجود ندارد و شرکت‌هاى مهم دولتى مى‌توانند اختلافات خود را به داورى ارجاع دهند در نتیجه داورى پذیرى اختلافات مربوط به شرکت‌هاى دولتى در حقوق انگلستان مشاهده به عنوان یک مانع برای ارجاع اختلاف به داورى مشاهده نمى‌گردد.

نتیجه گیری

در حقوق ایران و بر اساس قانون تجارت بین الملل که مبانی داوری پذیری در آن تبیین شده است، نظم عمومی، اخلاق حسنه، قوانین موجد حق و قواعد آمره از مبانی داوری پذیری تلقی می گردد. این مبانی ریشه در اجتماع دارد. در واقع قانون گذار زمانی که از نظم عمومی سخنی به میان می آورد می خواهد مصادیق و باید و نباید موضوعات مهم را در سطح اجتماع تعیین کند. در نتیجه مصادیق مبانی داوری پذیری در حقوق ایران را اجتماع تعیین می نماید. جامعه ایرانی که برگرفته از فرهنگ اسلامی و جو دینی است دارای مصادیق گسترده تر نظم عمومی نسبت به سه کشور اروپایی آلمان و انگلیس و فرانسه است. چرا که دین اسلام که زیر بنای فرهنگ اجتماع ایران است از طریق قرآن و فقه اسلامی باید ها و نباید های بسیاری را در سطح جامعه ایرانی تعیین کرده است. همچنین به علت فضای سیاسی خاص حاکم بر جامعه ایران و دور بودن از محیط بین المللی بالتبع نظم عمومی بین المللی نیز حاکم بر داوری پذیری داخلی نیست. به علت گستردگی مصادیق اخلاق حسنه در جامعه ایرانی، محدوده داوری پذیری دعاوی نیز در حقوق ایران مضیق تر شده است. همین موضوع ریشه تفاوت های مبانی داوری پذیری در حقوق ایران و سه کشور اروپایی آلمان و انگلیس و فرانسه می باشد. در حالی که جوامع اروپایی موضوعات بین المللی را دارای مقبولیت بیشتری می دانند، نظم عمومی بین المللی را نیز قبول دارند و نظم عمومی بین المللی بر مقررات حاکم بر نظم عمومی داخلی این کشورها غلبه دارد. البته این موضوع در حقوق کشور آلمان و فرانسه با انگلیس قدری متفاوت می باشد. اینکه در حال حاضر قضات فرانسوی در رویه قضایی خود به سمت این می روند که دعاوی دولتی نیز قابل داوری پذیری باشد و موضوعات دارای نظم عمومی نیز قابل داوری باشد بدین علت است که جامعه فرانسه نگاه بازی به پذیرفته شدن دعاوی نظم عمومی توسط افراد خصوصی دارد. در حقوق آلمان و انگلیس نیز وضع به همین منوال است. در واقع در حقوق این سه کشور جامعه به سمت دولت زدایی زدایی رفته و افراد جامعه نیز نسبت به داوری موضوعات مربوط به اخلاق حسنه و نظم عمومی به داوری افراد خصوصی حساسیت بسیار کمی دارند. همچنین به علت لاییک بودن و خروج قوانین مذهبی حاکم در این سه کشور، مصادیق اخلاق حسنه نیز با حقوق ایران متفاوت است. به نظر می رسد در جامعه ایران با ابزار کدخدانمشی که موضوعی با قدمت دیرینه در حل و فصل اختلافات اجتماعی ایران است بتواند نسبت به گسترش داوری پذیری موضوعات دارای نظم عمومی و اخلاق حسنه حرکت کند. همچنین باز شدن فضایی سیاسی و تاثیر اجتماعی آن در حقوق ایران موجب پذیرش نظم عمومی بین المللی نیز می گردد. در نهایت تمام تفاوت های مبانی داوری پذیری در حقوق ایران با حقوق سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه ریشه در اجتماع دارد و بر این اجتماع نیز عواملی چون باید ها و نیابدهای مذهبی فرهنگی و عوامل تاثیر گذار دیگر بر اجتماع اثر می گذارد.

فهرست منابع

فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تاثیر اراده در حقوق مدنی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۴
۲. شمس عبدالله شمس آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته جلد ۱ و ۲ چاپ ۳۶ انتشارات دراک ۱۳۹۵
۳. واستانی، احمد، نظم عمومی در حقوق خصوصی، ناشر، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۱
۴. ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران کتابخانه گنج دانش ۱۳۸۴
۵. گرجی ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹
۶. کاتوزیان ناصر قواعد عمومی قرارداد ها تهران شرکت سهامی انتشار، با همکاری بهمن برنا ۱۳۸۰،
۷. کاتوزیان، ناصر، جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۶ صفحه ۴۱-۷۲
۸. کاتوزیان ناصر، حقوق مدنی خانواده جلد ۲، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا (۱۳۷۸)

لاتین و انگلیسی

9. Hauser Lemouland, Jean-Jacques (2016"Ordre public et bonnes mœurs", Répertoire de droit civil, n° 10 et 29.
10. Fiadjoe albert alternative dispute resolution a developing world perspective Cavendish publishing limited 2004
11. katouzian, n (2000). Civil rights of certain contracts . 2 Ed. Iran / Tehran. Enteshar publication (in Persian)
12. Lehmann, Matthias, "A Plea for a Transnational Approach to Arbitrability in Arbitral Practice", 42 Colum. J. Transnat I, 2004
13. Mistelis & S Brekoulakis (eds), Arbitrability, International and Comparative Perspective (Netherlands, Wolters Kluwer, 2009)
14. Mitsubishi Motors Corp. v. Soler Chrysler-Plymouth, Inc., 473 U.S. 614.
15. Norton rose arbitration in Europe Germany 2007 swiss Norton rose fulbright
16. Okekeifere Andrew I, "Public Policy and Arbitrability under the UNCITRAL Model Law", International Arbitration Law Review, 1999, p.2.
17. R Merkin, Arbitration Law (London: LLP, 2004) 319
18. Sobhani j (2009). Analysis and criticism of four moral schools . Kalam

Islami journal . 5(2) . (in Persian)

19. Tissot, [1950] 7 Bull. Civ. No. 316 at 154. See generally Level, supra note 70.

20. van den Berg, A.J. “Non-Domestic Arbitral Awards under the New York Convention”, 2 Arbitration International, 1986

آلمانی

21. Häger, Schiedsgerichte für Rechtsstreitigkeiten der Handelswelt. Berlin, 1910. 2. DIS-Schiedsgerichtsordnung-1998 (gültig ab 1.7.1998).

22. Lionnet, Annette, Schiedsgerichtsbarkeit in Deutschland, Nürnberg: Foerster & Rutow, 2007.

آرا قضایی

23. ICJ Reports, (1951), Haya de la Torre (Colombia v. Peru).

24. ICJ Reports, (1963), Northern Cameroons (Comeroons v. United Kingdom of Great

25. ICJ Reports, (1966), South West Africa Cases (Liberia and Ethiopia v. South Africa).

26. ICJ Reports, (1969), North Sea Continental Shelf Cases (Federal Republic of Germany v.

27. ICJ Reports, (1974), Fisheries Jurisdiction (United Kingdom of Great Britain and

28. ICJ Reports, (1980), Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between WHO

29. (Advisory Opinion).

30. and Egypt (Advisory Opinion).

31. Britain).

32. Denmark and Netherlands), Sep.Op. Ammoun (A) and Judgment (B).

33. ICJ Reports, (1949), Reparation for Injuries Suffered In the Service of the UN

34. Northern Ireland v. Iceland)

